



اما همواره آمادگی داشته است که به دیپلماسی معنادار و مبتنی بر حسن نیت، پاسخ متقابل دهد.»

❖ ادعای فقدان اعتبار برجام

برخی از کارشناسان پیشنهاد داده اند که با توجه به خروج آمریکا از برجام، این امکان وجود دارد که ایران، روسیه و چین به صورت همزمان از برجام خارج شوند و با از بین رفتن اعتبار این توافق، دیگر سه کشور اروپایی امکان استفاده از ابزارهای پیش بینی شده در این توافق برای بازگرداندن تحریم ها را نداشته باشند. احمد ترابی، حقوق دان بین الملل در «هم میهن» می نویسد: «در سه نظام حقوقی داخلی ایران، بریتانیا و عرصه حقوق بین الملل خروج یا نقض یک جانبه قرارداد، اصولاً موجب انحلال آن نمی شود، بلکه قرارداد همچنان معتبر باقی می ماند مگر در شرایط بسیار استثنایی از جمله اینکه در خود قرارداد این موضوع پیش بینی شده باشد و به این ترتیب طرف مقابل می تواند برای فسخ قانونی یا اجرای تعهدات اقدام کند. این اصل در واقع تضمینی برای ثبات حقوقی قراردادها و معاهدات پیش بینی پذیری در تعاملات قراردادی به شمار می رود. توافق برجام نیز از این اصل مستثنی نیست و بر اساس پیروی از اصول حقوقی و رویه ای که پس از خروج آمریکا از برجام توسط جمهوری اسلامی ایران و سایر کشورهای عضو توافق در پیش گرفته شده است، نشان می دهد که از نظر حقوقی استدلال توافق مرده به دلیل خروج آمریکا از آن احتمالاً مورد پذیرش قرار نمی گیرد.»

❖ راهی جز مذاکره نیست

ادعای ایران مبنی بر اینکه سه کشور اروپایی صلاحیت عضویت در برجام ندارند یا اینکه برجام می تواند با خروج برخی از اعضا بدون اعتبار شود، از سوی بسیاری از کارشناسان حقوق بین الملل پذیرفته نشده است. به گفته کارشناسان تنها راه جلوگیری از فعال سازی مکانیسم برجام و بازگشت قطعنامه های پیشین شورای امنیت علیه ایران این است که تهران بتواند به یک توافق مذاکره شده با غرب برای حل و فصل مشکلات در خصوص برنامه هسته ای برسد. هر چند در شرایط کنونی و ضرب الاجل کوتاه باقیمانده تا پایان ماه اوت، رسیدن به یک توافق مشکل است، اما آغاز فوری مذاکرات و تلاش برای تعیین چارچوب توافق نهایی که مورد رضایت همه طرف ها باشد، امکان دارد جلوی اقدام اروپایی ها برای بازگرداندن قطعنامه های پیشین شورای امنیت را علیه ایران بگیرد.

نگاه کارشناس

مهدی ذاکریان استاد روابط بین الملل در گفت وگو با «هم میهن»:

نامه به شورای امنیت مانع مکانیسم ماشه نمی شود

که اگر می خواهید بدون مخالفت و سنگ اندازی ما مکانیسم ماشه را فعال کنید، باید امتیازهایی را به ما بدهید. کسانی که پیشنهاد می دهند روسیه و چین همراه با ایران از برجام خارج شوند که مشکل ایران حل شود، افرادی هستند که مشکل کلیدی ایران را متوجه نمی شوند.

❖ این مشکل کلیدی چه چیزی است؟

مشکل کلیدی ایران چندین بحران همزمان است. بحران مشارکت، بحران نفوذ، بحران توزیع، بحران پاسخگویی و یک بحران دیگر هم وجود دارد که بسیار اهمیت دارد و کسی به آن اشاره نمی کند و حتی در نظریات علوم سیاسی هم به آن اشاره نمی شود، نه اینکه کسی نداند، بلکه به این دلیل که مفروض این است که اساساً چنین بحرانی شکل نمی گیرد و آن بحران، بحران شایستگی یا شایسته سالاری است. به این دلیل در علوم سیاسی به این مسئله خیلی اشاره نمی شود، چون مفروض است که در هر کشوری بروید، آدم شایسته را بر سر کار می گذارند.

به جای اینکه بپاییم این بحران ها را شناسایی کنیم و دنبال راهکاری برای حل و فصل آنها باشیم، دنبال راه حل هایی می رویم که قرار نیست به صورت بنیادین مسئله ما را حل کند. حتی اگر فرض کنیم که ایران بتواند روسیه و چین را راضی کند که قطعنامه ۲۲۳۱ را کنار بگذارند و از برجام خارج شوند، باز هم این خروج هیچ دردی از جمهوری اسلامی ایران دوا نمی کند. ما باید به صورت بنیادین به دنبال حل مسائل برویم. ❖ گزارش شده که اروپایی ها پیشنهادی روی میز گذاشته اند که با تصویب قطعنامه ای جدید در شورای امنیت بازگشت ۶ قطعنامه پیشین به تعویق بیفتد که فرصتی برای مذاکرات هسته ای در اختیار ایران و غرب قرار داده شود. نظر شما در مورد این پیشنهاد چیست؟

اعتقاد من این است که کشورهای اروپایی این کار را انجام نخواهند داد و ترجیح می دهند که قطعنامه ها را بازگردانند. کشورهای اروپایی هم راستا با اسرائیل و آمریکا هستند. اسرائیل و آمریکا چنین پیشنهادی را از زاویه فرصت دادن به ایران می بینند. امروز اسرائیل و آمریکا به دنبال فرصت دادن و وقت دادن به ایران نیستند، بلکه به دنبال ضربه نهایی به ایران هستند. ایران باید متوجه این موضوع باشد. ایران نباید تصور کند آتش بس به معنای پیروزی یا به معنای توقف عملیات نظامی از سوی آمریکا و اسرائیل است. البته این موضوع را به صورت تلویحی و غیرمستقیم مدیران جمهوری اسلامی، به ویژه مدیران میدانی تأیید کرده اند. این ارزیابی که عملیات علیه ایران متوقف نشده است، ارزیابی صحیحی است، اما برنامه ریزی برای مقابله با آن درست نیست. از جمله بی برنامه گی ها، همین حساب باز کردن روی فرصتی است که اروپایی ها قرار است برای بازگشت قطعنامه ها بدهند. بر فرض که چنین برنامه ای وجود داشته باشد، مگر بار قبل در حین مذاکره نبود که حمله صورت گرفت؟ اروپا، آمریکا و اسرائیل، متحدان استراتژیک هستند. اروپا و آمریکا به اظهارات مقام های ما پای میز مذاکره نگاه نمی کنند، بلکه به نتیجه عملکرد ما نگاه می کنند. برای آمریکا اهمیتی ندارد که عراقچی در مقابل ویتکاف چه می گوید، بلکه نگاه می کند که خروجی برنامه هسته ای ایران، یا فعالیت های منطقه ای یا برنامه موشکی یا مسائل داخلی چیست؟ به نظر من نمی توان روی پیشنهاد اروپایی ها برای تعویق بازگشت قطعنامه ها حسابی باز کرد و اساساً این مسئله تغییر بنیادین در شرایط ایجاد نمی کند. حتی اگر اروپایی ها قطعنامه ای بدهند که بازگشت قطعنامه های ۶ گانه به تأخیر بیفتد و به مذاکرات فرصت بدهند، حتی اگر در حین همان مذاکرات هم باز ایران اقدامی صورت بدهد که از سوی آمریکا و اسرائیل تهدید تلقی شود، مجدداً اقدام نظامی صورت می گیرد.

❖ با این شرایط راه حلی وجود دارد که جلوی رخداد بازگشت ۶ قطعنامه شورای امنیت گرفته شود؟

بله! قطعاً راه حل وجود دارد. اساس دیپلماسی یعنی مسئله و حل مسئله، یعنی راه حل و خروج از بن بست. اما متأسفانه سیاست خارجی ایران بیمار است و نمی تواند به راه های موثر وارد شود. ایران می تواند مشکلات سیاست خارجی را حل کند، اما باید دست به جراحی بزند، جراحی در حکمرانی. حکمرانی باید بر مبنای منافع ملی محور باشد. باید سیاست خارجی ایران به شکلی تغییر کند که مزاحمت برای مردم ایران در سراسر دنیا متوقف شود. در داخل هم باید بر خورد با مردم تحول جدی پیدا کند. با عوض کردن آدم ها هیچ تغییری ایجاد نمی شود، سیاست باید تغییر کند. آقای احمدیان برود و آقای لاریجانی بیاید، تفاوتی ایجاد نمی شود. آقای پزشکیان برود و آقای خاتمی بیاید، تغییری ایجاد نمی شود، اصلاً اگر جای آقای قالیباف آقای ظریف را قرار دهیم، تغییری ایجاد نمی شود. در سیاست های جمهوری اسلامی عوض نشود، مشکلی حل نخواهد شد. جمهوری اسلامی باید سیاست های خودش را تغییر دهد. سیاست داخلی باید منافع ملی محور و بر مبنای احترام به مردم باشد. سیاست خارجی باید بر سه اصل استوار باشد: اقتدار ملی، امنیت ملی و دستیابی رفاه برای مردم. اگر قرار باشد این سیاست ها اجرایی شود، اگر کارگزاران شایسته نباشند، باز هم کار پیش نمی رود.



دیپلمات ها



معاون آژانس در تهران

وزیر امور خارجه ایران دیروز یکشنبه، با اعلام اینکه معاون گروسی روز دوشنبه به تهران می آید، تصریح کرد: «هیچ برنامه ای برای بازدید از مکانی، تا به چارچوبی دست پیدا نکنیم، وجود ندارد.» سیدعباس عراقچی در حاشیه جلسه هیئت دولت در جمع خبرنگاران، اظهار کرد: «مذاکرات با آژانس انرژی اتمی برای تعیین چارچوب همکاری برگزار می شود. معاون گروسی فردا به تهران می آید و هیچ برنامه ای برای بازدید از مکانی تا به چارچوبی دست پیدا نکنیم، وجود ندارد و همکاری آغاز نمی شود. این چارچوب هم بر مبنای قانون مجلس شورای اسلامی خواهد بود.» وی ادامه داد: «تماس های ما با اروپایی ها ادامه دارد. آنها بحث اسنپک را مطرح کرده اند که موضع ما این است که اسنپک موضوعیت ندارد. اروپا از نظر ما مشارکت کننده در برجام محسوب نمی شود. البته بحث های فنی و حقوقی وجود دارد که همکاران من با اروپایی ها در تماس هستند، ولی زمانی برای مذاکره بعدی مشخص نشده است.» عراقچی درباره احتمال مذاکره با آمریکا گفت: «هنوز هیچ چیزی درباره مذاکره با آمریکا قطعی نشده است.» وزیر خارجه ایران همچنین در رابطه با احتمال برگزاری مذاکرات در نروژ عنوان کرد: «هنوز هیچ چیزی قطعی نشده و من هیچ کشوری را تأیید نمی کنم.» دیروز رسانه انگلیسی زبان ایرانی تهران تأیید به نقل از منابع آگاه مدعی شده بود، نروژ به عنوان جایگزین عمان و واسطه جدید مذاکرات بین ایران و آمریکا مطرح شده است.

ادامه یادداشت سردبیر

و بگوید: «اگر مذاکره نکنیم، چه کنیم؟». او حتی گاهی فراتر نهاد و از این سخن گفت که اگر ایران بار دیگر بخواند تأسیسات هسته ای خود را بازسازی کند، دوباره با حمله بیرونی مواجه خواهد شد. این لحن سخن گفتن، البته دور از ملاحظات است که معمولاً رؤسای جمهور ایران رعایت می کنند. آنان در گفتارهای خود تلاش می کنند وجوه دیپلماتیک را رعایت کنند و اگر نه به اندازه دیپلمات ها، اما تا حد زیادی از سخن گفتن صریح و بی برپایه در حوزه سیاست خارجی خودداری کنند. در میان رؤسای جمهور قبل، البته محمود احمدی نژاد نیز بی ملاحظه سخن می گفت و در بند سیاست های کلان خارجی و ملاحظات دیپلماتیک نبود. اما تفاوت احمدی نژاد با پزشکیان آن بود که گفتارهای بی ملاحظه اش در چارچوب رادیکالیسم و تنش زایی بود و آب به آسیاب تندروهای ریخت. از این رو، برای آن سخنان کف می زدند و هورا می کشیدند و اورانماد عزت و استقلال می دانستند. پزشکیان اما اگر در لحن و دوری از ملاحظات دیپلماتیک گاه تنه به تنه احمدی نژاد می زدند؛ اما از منظر ایندولولوژیک نسبتی با تندروها ندارد. از این روست که هرگاه از قالب سخنرانی های تکراری و برنامه های رسمی بی حاصل خارج شود و برابر پرسش یا نقدی صریح قرار گیرد، چنان سخن می گوید که نه فقط تندروها را به واکنش می اندازد که دستگاه دیپلماسی را از انفعال و استیصال برانده از ادبیات رسمی، خارج می کند. این سخن که «اگر مذاکره نکنیم، چه کنیم؟» برآمده از واقعیت مناسبات قدرت و نظام بین الملل کنونی است. گفتار رسمی در ایران تا شش دارد این واقعیت راز بر سایه شعارها و تبلیغات و تحلیل های سکارشی نویسدگان و اندیشکده های وابسته، پوشانند. اما ناگهان پزشکیان سر می رسد و با عبارتی کوتاه و گویا و عامه فهم، همه این پوشش ها و روایت های بر ساخته را از هم می گسلد. این سخن پزشکیان با واکنش تندروها مواجه می شود. حتی سایت ریاست جمهوری در متن خبر رسمی خود، می گوشت این بخش را کنار بگذارد. اما پزشکیان کار خود را کرده است و ضربه خود را زده. او نه فقط تندروهای داخلی را با پرسشی صریح مواجه می کند که «اگر حرف نزنیم، پس جنگ کنیم؟»؛ سیگنالی را به جامعه بین المللی می فرستد و نشان می دهد در ایران، جریان خواستار پذیرش نظم جهانی فعال است و در پی فراهم سازی بستر مذاکراتی جدی و جدید و احیاناً جامع. این، همان سیگنال متفاوتی است که حتی شاید ترامپ را هم به بازنگری در مواجهه تند ماهه های اخیر خود با ایران وادارد. چرا که برخلاف سیگنال های منفی ایران که پس از جنگ شنیده بود و حتی وزیر امور خارجه را با خود همراه کرده بود؛ اینک رئیس جمهور ایران، صریحاً از فقدان راهی جز مذاکره می گوید. سخنی که تندروها آن را طبق معمول، مغایر با عزت خواهند خواند؛ اما عین واقعیت است. گزینه بدیل راه پرسنگلاخ مذاکره، تنها جنگی دیگر است؛ جنگی که شاید این بار، ابعاد و پیامدهای آن غیر قابل تحمل باشد.